

نبرد ماراتن

به گفته هرودوت، پارسیان از یونانیان در نبرد ماراتن در سال ۴۹۰ ق.م شکست سختی خوردند. در اینجا ما با بررسی دقیق مدارک و شواهدات خواهیم دید تا چه حدی این ادعا درست است.

از آنجایی که فقط گفته های هرودوت از زمان نبرد ماراتن باقی مانده اول باید به گفته های هرودوت نگاه کرد، بدون اینکه کورکورانه ادعا های او پذیرفت. اینکه هرودوت از پارسیان متنفر بوده بر همگان روشن است.

نخست یونانیان و مردم ارتری به سارد که جزو قلمرو پارس بود حمله میکنند و معبد مقدس آنجا را به آتش میکشند. داریوش بزرگ تصمیم به گوشمالی یونانیان میگیرد. همچنین وقایع دیگری از جمله ربودن شاهزادگان و یا همسران نجیب زادگان پارسی به وسیله یونانیان به این درگیری دامن میزنند.

داریوش بزرگ نخست دستور ساختن کشتی های بلندی را میدهد که با آنها قادر به حمل اسب باشند. او آتیس و آرتافرن را به فرماندهی ۶۰۰ کشتی جنگی به سمت ارتری و یونان روانه میکند. همینطور « هیپ پیاس » که فردی یونانی بود سپاه پارسیان را همراهی میکند. (این هیپ پیاس کسی بود که بعد از انقلاب آتن از یونان گریخته بود و در لیدیه در پناه پارسیان زندگی میکرد. او کسی بود که پارسیان را به حمله و تصرف یونان ترغیب میکرد تا بدین وسیله خود بعد از پیروزی پارسیان قدرت را در یونان بدست بگیرد. او قول داده بود که در موقع حمله پارسیان به آتن مردم به هواخواهی او برمیخیزند و او را به عنوان رهبر میپذیرند.)

با این امید پارسیان به طرف یونان حرکت کردند. هیپ پیاس سپاه پارسیان را به ساحل های ماراتن برد و پارسیان آماده نبرد شدند. سپاهیان یونان از آتن و دیگر قسمت های یونان گرد آمدند. در ابتدا پارسیان موفق به پس زدن یونانیان در وسط سپاه شدند ولی قسمت راست و چپ سپاه یونان به کمک قوای میانی آمدند و سپاه پارسیان را به طرف کشتیهای خود عقب راندند.

در این حال یونانیان موفق به نابودی یا گرفتن ۷ کشتی از جمع کلی ۶۰۰ کشتی پارسیان شدند و پارسیان با باقی مانده کشتیهای خود به دریا گریختند. بعد سربازی از آنجا تا آتن دوید تا مژده پیروزی یونانیان را برای مردم آتن ببرد و در این راه جان داد.

در اینجا هرودوت نبرد ماراتن را شکستی بزرگ برای پارسیان ترسیم میکند. به گفته او ۶۰۰۰ سرباز پارسی و در مقابل فقط ۱۹۲ سرباز یونانی کشته میشوند. به گفته هرودوت سپاه پارسیان از ۲۰۰۰۰۰ سرباز تشکیل شده بود. همینطور هرودوت در جای دیگر به نکته بسیار مهمی اشاره میکند، او از سربازی یونانی حرف میزند که در بلندترین نقطه جزیره « آت تیک » که به خیانت به بلند کردن سپر خود علامت خالی بودن آتن را از سربازان یونان میدهد. این نکته مهمی است. این خلاصه ای از گفته های هرودوت از نبرد ماراتن بود که بعد از هرودوت تاریخ نویسان یونانی از حرفهای او استفاده کرده و با شاخ و برگ دادن این داستان به دروغهای هرودوت اضافه کرده اند.

حالا، ما میتوانیم بدون بررسی و تفکر حرفهای هرودوت را قبول کنیم و یا به استفاده از خرد به بررسی شواهد در گفته های هرودوت بپردازیم و به واقعیت این نبرد نزدیکتر شویم. حقیقت مطلب این است که نبرد ماراتن یک شکست برای پارسیان نبود بلکه یک مانور حساب شده نظامی بود.

۱- ۶۰۰ کشتی جنگی قادر به حمل ۲۰۰۰۰۰ سرباز نبوده است. هرودوت خودش در قسمت دیگری از کتاب خود در مورد توفانی دریایی حرف میزند که ناوگان دریایی پارسیان در سال ۴۹۲ ق.م، ۶۰۰ کشتی جنگی را از دست میدهد. در آن حادثه، به گفته هرودوت، ۲۰۰۰۰ سرباز کشته میشود. پس نتیجه میگیریم ۶۰۰ کشتی جنگی فقط میتوانند در حدود ۲۰۰۰۰ سرباز حمل کنند و نه ۲۰۰۰۰۰ سرباز که هرودوت ادعا میکند. همینطور ما باید تعداد اسبها و غذا و مهمات و دیگر وسایل جنگی را در نظر بگیریم. محققان دیگری درباره تعداد سپاه پارسیان مینویسند: گروندی ۴۰۰۰۰، مونرو ۲۵۰۰۰، ادوار مایر ۲۰۰۰۰.

۲- داریوش بزرگ در آن زمان قدرتمندترین مرد آسیا و در اوج قدرت بود. مرد قدرتمند و توانایی چون داریوش هرگز برای فتح یونان با این تعداد کم سپاه اقدام نمیکند.

۳ - دشت ماراتن مکانی مناسب برای آغاز حمله نظامی نبوده. در حقیقت دشت ماراتن بسیار کوچک و تنگ به درازی ۹ کیلومتر و به پهنای ۲ کیلومتر بیشتر نیست. این بسیار غیر منطقی است که فرماندهان آگاه داریوش اقدام به لنگر انداختن در چنین مکانی برای ۶۰۰ کشتی و پیاده کردن ۲۰۰۰۰۰ سرباز کنند.

۴ - چطور پارسیان قادر شدند تقریباً تمامی کشتی های خود را از آنجا نجات دهند، اگر آنها به قول هرودوت در حال فرار بودند؟ چطور پارسیان میتوانند بدون دادن تلافیات زیاد از آنجا فرار کنند؟ منطق حکم میکند که پارسیان میبایستی تعداد بسیاری از کشتیهای خود را از دست میدادند و نه فقط ۷ کشتی. چطور این یک شکست کامل نظامی محسوب میشود وقتی فقط ۷ کشتی از ۶۰۰ کشتی از دست داده میشود؟ نکته مهم دیگر این است که سوار کردن آن همه سرباز و مهمات به کشتی ها احتیاج به نظم و آرامش دارد و این در حالیکه سپاه در حال فرار و عقب نشینی است مقدور نیست. پس این عقب نشینی تحت کنترل و حساب شده بوده.

واقعیت مطلب این است که سپاه پارسیان دشت ماراتن را انتخاب کردند تا سپاه یونان را از آتن خارج کنند و بدین وسیله آتن را از سربازان یونانی خالی کنند. پارسیان روی قولهایی که هیپ پیاس داده بود تکیه میکردند که مردم آتن وقتی شهر را خالی از سربازان یافتند قیام کرده و کنترل شهر را به دست گرفته و راه را برای پارسیان باز خواهند کرد..... ولی این اتفاق نیفتاد.

سربازی که در بلندی آت تیک با سپر خود علامت خالی بودن آتن را میدهد خود نشان دهنده این واقعیت است که پارسیان در صدد بیرون کشیدن سربازان یونانی از آتن بودند تا بدون جنگ آتن را تسخیر کنند.

یک سرباز هیچوقت برای رساندن خبر خوب پیروزی جان خود را در اثر دویدن زیاد از دست نمیدهد بلکه وحشت از حمله کشتی های پارسی به آتن است که او را وادار به رساندن هر چه سریعتر این خبر میکند که در نهایت منجر به مرگ او میشود.

چرا آتیس بعد از سوار شدن به کشتیها خود به شهر آتن حمله نکرد؟ شهر آتن خالی از سرباز بود. آتیس به روشنی این موقعیت را داشت که با ناوگان جنگی خود به آتن حمله کند ولی به نظر میرسد که او نمیخواست تمام ناوگان جنگی پارسیان را به مخاطره بیاندازد و با فقط ۲۰۰۰۰ سرباز و بدون پشتیبانی هواداران هیپ پیاس به آتن حمله کند. این نقشه ای نبود که پارسیان از ابتدا پی ریزی کرده بودند و با در نظر گرفتن ریسک موجود از ادامه حمله خودداری کردند.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>